

مرگ بر خائنین ، مرگ بر وطنفروشان

اخيراً نجیب مزدور سفر غیر مترقبه ای به ژنیو انجام داد. وی در این سفر یک سلسله مذاکرات مخفی با نمایندگان شاه سابق، احزاب اسلامی به اصطلاح میانه رو و روشنفکران مقیم اروپا را به پیش برد. علیرغم تکذیب ادعاهای رژیم مزدور کابل در مورد این مذاکرات توسط حلقات معینی از احزاب اسلامی "میانه رو"، واقعیت این مذاکرات بر کسی پوشیده نمانده است. هم اکنون رژیم مزدور کابل در مورد این مذاکرات همچون دستاورد مهمی برای "مشی مصالحه ، ملی" اش به تبلیغات وسیعی دست زده است و ادعا دارد که طرحاتی برای صلح از نمایندگان شاه سابق و سائر نیروهای شامل در مذاکرات دریافت داشته است.

از زمان به امضا رسیدن موافقتنامه، ژنیو و بدنبال آن خروج قوای متجاوز سوسیال امپریالیستی از کشور تا حال همچنانکه جریان تبنانی و سازش میان امپریالیست ها و سوسیال امپریالیستها در سطح بین المللی بیشتر از پیش برجسته تر گردیده، تلاش آنها غرض تحقق سازش و مصالحه در افغانستان نیز بصورت روز افزون تشدید یافته است. به یقین دستیابی به این امر برای سوسیال امپریالیستها، امپریالیستها و مزدورانشان در افغانستان آسان نخواهد بود. در اینجا تضادهای متعددی چنان باهم گره خورده و اوضاع پیچیده ایرا بوجود آورده است که حل آن در جهت مصالحه و سازش برای آنها به سختی ممکن خواهد بود. اما علیرغم این واقعیت باید پذیرفت که جریان سازش و مصالحه میانشان سیر رو برشد دارد و لو اینکه با کندی و بطأئت توأم میباشد. در واقع باید پذیرفت که بنابر وضعیت خاص افغانستان تحقق سازش و مصالحه امپریالیستی - ارتجاعی در اینجا؛ آگاهانه بمثابه یک جریان دراز مدت در نظر گرفته شده است.

در شرایط فعلی تبنانی و سازش میان امپریالیست های غربی و سوسیال امپریالیستهای شوروی خیلی برجسته بنظر میرسد. حوادث اروپای شرقی، فروریختن دیوار برلین، وحدت مجدد دو آلمان و اخیراً حوادث خلیج نمونه های بسیار روشن این تبنانی و سازش را به نمایش گذاشت. در رابطه با اوضاع افغانستان دو طرف متذکره روی حل و فصل صلح آمیز قضیه به موافقه رسیده اند و در نتیجه امکان تحقق تبنانی سازش امپریالیستی - ارتجاعی بیشتر از پیش تقویت گردیده است. ولی از آنجائیکه تضاد میان نیروهای مختلف امپریالیستی بمثابه یک تضاد اصلی جهانی عملکرده و نتایج معین و مشخص خود را دارد، مناسبات میان آنها در مجموع مخلوطی از تبنانی و رقابت میباشد، منجمله در افغانستان.

در حال حاضر نیروهای جنگ طلب در درون رژیم مزدور کابل شدیداً ضعیف به نظر میرسد. مخالفین "پروستریکا" و "مشی مصالحه ملی" از درون حزب حاکم وسیعاً تصفیه گردیده و حاکمیت نجیب بر رژیم

مزدور بلا منازع به نظر میرسد. اما در میان نیروهای وابسته به امپریالیستهای های غربی، گرچه جنگ طلبان تا حدود زیاد نسبت به گذشته ضعیف به نظر میرسند و تقریباً به حزب اسلامی " حکمتیار " و تا حدودی " اتحاد اسلامی " محدود گردیده اند، اما هنوز هم قدرت زیادی برخوردارند، بخصوص که شفقت برخی از حلقه‌های معینی از ارتجاع منطقه و امپریالیست های غربی همچنان شامل حال شام میباشد.

رژیم مزدور کابل در رابطه با " مشی مصالحه ملی " اش بخصوص پس از تبدیل شدن " حزب دموکراتیک خلق " به " حزب وطن " توانسته است " پیشرفت " زیادی نماید؛ آنچنانکه غرض تحقق کامل این مشی یکسره فاتحه " انقلاب ثور " را خوانده و " راه رشد غیر سرمایه داری " را کامل باطل اعلام نموده است. از جانب دیگر هواداران شاه سابق، احزاب اسلامی سه گانه، بخشی از احزاب اخوانی، احزاب اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی ایران و تعداد زیادی از فرماندهان نظامی داخل کشور، نیروهائی اند که طرحات، راه حل های پیشنهادی و عملکرد های شان با مسیر مصالحه و سازش و به اصطلاح راه حل سیاسی قضیه افغانستان منطبق است. این نیروها با رژیم مزدور کابل و همچنان سوسیال امپریالیست ها به درجات مختلفی مصروف سازش و زدو بند بوده، بعضاً آشکارا در پهلوی رژیم قرار گرفت اند.

در این میان نقش خائنانه و وطنفروشانه بخشی از نیروهای سابقاً " چپ " را نیز نباید به فراموشی سپرد. نیروها و افرادی از اینها از قبیل " حزب عدالت دهقانان " به رهبری خائن مفسدی چون " حکیم توانا " آشکارا در پهلوی نجیب مزدور استاده و بمتابه بخشی از رژیم مزدور کابل در راه تحقق " مشی مصالحه ملی " به تپ و تلاش مشغول اند. اما بخش دیگری از آنها که تا حال جرئت برآمد آشکارا ندارد خیانتها و وطنفروشیهای شانرا با استفاده از راه های توطئه آمیز به پیش مبرند. یکی از نمونه های این توطئه های خائنانه و وطنفروشانه تلاشی است که اخیراً در اروپا توسط نیروهای منسوب به " اخگر " و بخشی از " رهائی " و " ساما " پیش میرود. این حرکت پوشش به اصطلاح دموکراتیک دارد و هدفش را تشکیل جبهه دموکراتیک به منظور تحقق دموکراسی و صلح در افغانستان اعلام کرده است. روشن است که این حرکت بخشی از جریان امپریالیستی - ارتجاعی سازش و تبانی میباشد که مناسبترین بستر برای رشد آن همانا " مشی مصالحه ملی " رژیم مزدور کابل میباشد.

سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان برین امر عمیقاً باورمند است که مسیر مبارزه در راه تشکیل حزب کمونیست و بر پائی جنگ خلق غرض به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک نوین در کشور، یگانه راه اصولی و درستی است که در پیش پای کمونیست ها و خلق کشور قرار دارد. هرگونه عدول ازین راه و مسیر در غلطیدن به مسیر تسلیم طلبی های طبقاتی و ملی است. ناتوانی و ضعف دلیلی بر صحه گذاشتن به ارتداد و در غلطیدن به مسیر خیانت و وطنفروشی نمیتواند تلقی گردد. فرجام سازش و مصالحه و همچنان جنگیدن در رکاب

احزاب ارتجاعی اسلامی، نه نیرومندی و توان بلکه خواری، زبونی، ذلت و رسوائی ببار خواهد آورد. نیروهای انقلابی نمیتوانند جز از طریق پافشاری بر خط اصولی و حرکت در راستای جنگ خلق ناتوانیهایشانرا رفع نموده، توانمندی و قوت حاصل نمایند.

سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان حرکت خائنه و وطنفروشانۀ شاه سابق و نمایندگان، احزاب به اصطلاح میانه رو اسلامی و آن روشنفکران اروپانشین را که در مذاکرات اخیر ژنیو با نجیب مزدور به گفتگو نشستند و " طرحات صلح " به وی تسلیم دادند قویاً محکوم نموده و تمام نیروها و شخصیتهای کمونیست، دموکرات و ملی را به محکوم نمودن این خائنین و افشاء چهره های منحوس شان فرا میخواند.

مرگ بر سوسیال امپریالیسم – امپریالیسم و ارتجاع !

به پیش در راه تدارک و برپائی جنگ خلق !

یا مرگ یا پیروزی !

سازمان کمونیست های انقلابی افغانستان

۱۵ قوس ۱۳۶۹